

عنوان مقاله : بررسی رابطه وضعیت مسکن و ارتکاب جرم در آینده (مطالعه

موردی در شهرستان اراک)

نویسنده : فرزانه مرادی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی

کارشناس حقوقی شرکت آب منطقه ای مرکزی (واحد بازرسی و رسیدگی به شکایات)

چکیده

در بحث پیشگیری از جرم، رابطه مسکن و جرم را از دو جهت می توان مورد توجه قرار داد:

۱- رابطه مسکن بزه دیده و جرم که موضوع بررسی «پیشگیری وضعی» است و در بحث «طراحی محیطی» به آن پرداخته می شود.

۲- رابطه مسکن بزه کار و جرم که موضوع بررسی «پیشگیری اجتماعی» است و موضوع مورد نظر در این مقاله است.

به نظر می رسد- با توجه به تأثیر محیط در رفتار انسان- مسکن فرد به عنوان جزئی از محیط اجتناب ناپذیر، نمی تواند در رفتار او به طور کلی و ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی او به طور

خاص، بی‌تأثیر باشد. در مورد چگونگی تأثیر «مسکن» بزه کار در ارتکاب جرم از سوی او باید گفت که عامل «مسکن نامناسب» باعث ایجاد یا فعال کردن برخی عوامل مؤثر در جرم می‌شود، چنان که مجتمع‌هایی مسکونی و آپارتمان‌ها با فعال کردن عامل «تقلید پذیری» و «یادگیری رفتار مجرمانه»، خانه‌های نمود و کثیف به دلیل تمایل فرد به گذراندن وقت بیشتر در خارج از خانه، با فعال کردن عامل «نداشتن خانواده منسجم» و «تأثیر هم‌نشینی‌های بد» و...، خانه‌های فاقد تهویه مناسب با افزایش نقش «آلودگی» در ارتکاب اعمال نابه‌هنجار، و... در ارتکاب جرم مؤثر خواهند بود، علاوه بر آنها مسکن نامناسب با ایجاد احساس فقر در وجود فرد و تمایل او به بهتر کردن اوضاع، تأثیر «فقر» در رفتار مجرمانه را افزایش داده، باعث ارتکاب چنین رفتاری خواهد شد.

کلید واژگان: محیط، مسکن بزه کار، رفتار مجرمانه.

مقدمه

[از آنجا که] هر چقدر تعداد جرایم بیشتر بوده و اشکال و الگوهای جرم بیشتر تغییر یابد، نیاز جهت یافتن علل و عوامل، زمینه‌ها، جاذبه‌ها و ابزار مؤثر برای پیشگیری از جرم و هم‌چنین اصلاح و درمان بزه‌کاران بیشتر خواهد بود (رحیمی نژاد، ۱۳۷۷: ۶۶)، نیاز به علم جرم‌شناسی که با «رویکردی تحلیل‌گر، درصدد بررسی علل و عوامل مؤثر بر بزه‌کاری و بزه‌دیدگی می‌باشد» (نیازپور، ۱۳۸۶: ۹۸) رو به افزایش است.

در نظریه های جرم شناسی چند دهه اخیر « نظریه پردازان با مشخص کردن شرایطی که بر اساس آن ها، آزادی عمل و انتخاب تغییر می یابد، می توانند ساز و کار های کنترل بزه کاری را به شکل دقیق بیان کنند ». (پاک نهاد، ۱۳۸۸: ۱۴۴) از میان علل و عوامل موثر بر بزه کاری « محیط » نقش بسیار مهمی دارد، زمانی که از محیط به عنوان یکی از عوامل ارتکاب جرم سخن می گوئیم ناچار یا محیط طبیعی و جغرافیایی است که افراد در آن زندگی می کنند یا محیط اجتماعی (الماسی، ۱۳۸۶: ۱۳۷). بررسی تأثیر محیط طبیعی در جرم موضوع مطالعه دانش هایی مثل جرم شناسی محیطی - که « رابطه بین فضا و مکان و جرم را مطالعه می کند » (برین و یار، ۲۰۰۸: ۷۲) و بر این امر تأکید می کند که « مکان ها می توانند نقش های متفاوتی را در ارتکاب جرم بازی کنند » (گراف، دیوید و موریس: ۶۳) - و زمین شناسی قانونی - « که به بررسی کاربرد یافته های زمین شناسی در جرم شناسی می پردازد » (آسیابان ها، ۱۳۸۶: ۳۸) و ... است .

اما بحث از محیط اجتماعی و تأثیر آن در جرم موضوع مطالعه دانش « جامعه شناسی جنایی » به عنوان یکی « از علوم اساسی بزه شناسی » (کی نیا، ج ۲، ۱۳۸۶: ۴۰) است .

در بررسی تأثیر محیط پیرامون فرد بر ارتکاب جرم، محیط اجتماعی را به « ۱ - محیط حتمی و اجتناب ناپذیر مانند خانواده، مسکن، کوچه، همسایگان ۲ - محیط اتفاقی مانند آموزشگاه و سرباز خانه ۳ - محیط انتخابی یا قابل قبول، مانند ازدواج، فرزند، طلاق و ... ۴ - محیط تحمیلی مانند زندان و رژیم سیاسی و ۵ - محیط طبیعی مانند وضع جغرافیایی و تغییر فصول و ... » تقسیم می کنند (همان: ۳۶)

از میان عوامل مختلف محیط اجتماعی که ممکن است رفتار فرد را تحت تأثیر قرار دهد می توان به « مسکن » او اشاره کرد .

از آنجا که مسکن فرد « در حد وسیعی به محیط اکولوژیک اجتناب ناپذیر مربوط است » (کی نیا ، ۱۳۵۶) یعنی محیطی که فرد معمولاً ناگزیر به تحمل آن است ، تأثیر آن بر جسم و روح و تبعاً بر رفتار فرد ، دور از ذهن به نظر نمی رسد .

« مسکن » ، از لوازم ضروری اولیه بشر است ، هم چنان که انسان پوشاک و خور دارد به مسکن هم نیازمند است ، در حقیقت ، روزی انسان از حالت توحش بیرون آمد و متمدن شد که خانه برای خود ساخت ، اما از آنجا که با گذشت زمان نیاز های انسان تغییر یافته ، پیچیده تر می شود ، « مسکن » هم به عنوان یک نیاز اساسی در طی قرون و اعصار تغییر کرده و از حالت « ساده » و « ابتدایی » خود خارج شده ، بر امکانات رفاهی آن افزوده شده است ، به طوری که خانه های جدید دارای سرویس های بهداشتی ، امکانات تهیه غذا و بعضاً دارای امکانات تفریحی و فضا های باز و ... نیز هستند ، البته همچنان برخی اقوام در برخی مناطق دارای خانه هایی هستند که پیشرفت نکرده و از امکانات رفاهی برخوردار نیستند ، این امر در کنار مسأله « کمبود زمین » - که منجر به شکل گیری خانه های « آپارتمانی » در شهر ها شده - موجبات به وجود آمدن اشکال و انواع مختلفی از « مسکن » را فراهم ساخته است .

با توجه به این امر با عنایت به تأثیر « محیط » بر رفتار فرد ؛ پرسشی که مطرح می شود این است که از میان انواع خانه (آپارتمانی و ویلایی) با اندازه و کیفیت های مختلف ، کدام یک تأثیرات مثبت بیشتری بر روح و جسم انسان داشته و بروز رفتار های بهنجار از سوی او را سبب می شوند و بر عکس کدام یک با تأثیرات منفی بر روح و جسم انسان رفتار نابهنجار در قالب انحراف یا جرم را از سوی او سبب می شوند ؟ به عبارت دیگر زندگی فرد در یک « مسکن نامناسب » چه تأثیری در ارتکاب رفتار مجرمانه از سوی او دارد ؟

بیان مسأله

مسکن در لغت به «محل سکنی» (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲: ۱۸۰۵)، چهار دیواری که دارای سقف باشد و جایی که انسان در آن زندگانی کند (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱: ۸۳۰) گفته می‌شود، اما مسکن مناسب مسکنی است که کاملاً پاسخگوی نیازهای جسمی و روحی انسان به استراحت و آسایش بوده و احساس آرامش در وجود او ایجاد کند. امروزه، افزایش بی‌رویه بهای مسکن به دلیل «کمبود زمین» که خود ناشی از افزایش جمعیت در دنیای امروز می‌باشد، سبب شده که قشر وسیعی از جامعه در تهیه «مسکن مناسب» ناکام مانده و ناچاراً به خانه‌هایی که فقط تأمین کننده حداقل‌هایی از نیاز آنها به «سر پناه» هستند، روی آورند و زندگی در چنین خانه‌هایی را معمولاً برای سال‌هایی زیاد، (و گاه برای همیشه) تحمل کنند، استمرار چنین وضعیتی و تمایل افراد به تغییر وضع موجود، بی‌تردید در نحوه رفتار آنها در آینده بی‌تأثیر نخواهد بود.

مسکن‌های نامناسب زیادی در سطح کشور، از جمله در «استان مرکزی» وجود دارد، فراوانی چنین خانه‌هایی در شهرستان اراک آن چنان جدی است که بر شکل ظاهری شهر اثر گذاشته، به طوری که به گزارش مرکزی دیلی و به نقل از خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران [ایسنا] - منطقه مرکزی، در مهر ماه سال ۱۳۸۸، نماینده این شهرستان، شرایط (ظاهری) در برخی از نقاط شهر را «خجالت آور» خواند و تغییر در ظاهر محیط شهری اراک را مستلزم ساخت «مسکن‌هایی مناسب و زیبا» دانست (<http://markazidaily.ir>).

به گزارش مرکزی دیلی در ۲۴ خرداد ۱۳۸۹، به گفته مدیر عامل شرکت عمران و مسکن سازان استان مرکزی، ۱۵ درصد از مساحت شهر اراک را بافت فرسوده (۱۷۲ هکتار) و سکونت‌گاه‌های غیر رسمی (۳۵ هکتار) تشکیل می‌دهد که ۱۳۴ هزار نفر از جمعیت شهر را در خود جای داده است (همان). ساختمانها در بافت فرسوده شهر، معمولاً از دوام لازم برخوردار نیستند و در

سکونت‌گاه‌های غیر رسمی که پهنه حاشیه نشینی شهر را تشکیل می‌دهند «افراد سرپناه مناسبی ندارند، مکان و مصالح و ساخت خانه‌هایشان خطر آفرین است، این خانه‌ها روی گسل‌ها و شیب‌های تند، روی آبراهه و ... ساخته شده‌اند، خود [ساکنین] و دارایی‌هایشان، شدیداً در معرض خطر و آسیب جدی است (همان) و این در حالیست که طبق مطالعات سال ۱۳۸۵ پهنه حاشیه نشینی شهر اراک ۷/۲۲ درصد جمعیت و ۴/۶ درصد از مساحت شهر را به خود اختصاص داده است (همان).

با توجه به وضعیت مسکن در شهرستان اراک، فایده بررسی تأثیر مسکن در ارتکاب جرم در این شهر، مشخص می‌گردد و این می‌تواند در بررسی علل جرم‌زایی برخی مناطق این شهر کمک شایانی به عمل آورد.

مبانی نظری تحقیق

رابطه مسکن و جرم از دو جهت قابل بررسی است:

۱- از یک جهت می‌توان رابطه مسکن بزه‌دیده و نقش آن در ارتکاب جرم از سوی بزه‌کار را بررسی کرد، این بررسی‌ها و نتایج حاصل از آن‌ها در پیش‌گیری وضعی، که به دنبال «کاهش فرصت ارتکاب جرم و افزایش خطر دستگیری می‌باشد» (جلینگ، ۲۰۰۵: ص ۴)، مورد توجه قرار می‌گیرد، پیشگیری وضعی که «ریشه در بزه‌دیده‌شناسی دارد» (الماسی، ۱۳۸۹: ص ۱۲۰) با حمایت از آماج‌های جرم و بزه‌دیدگان بالقوه و اعمال تدابیر فنی در صدد جلوگیری از بزه‌دیدگی افراد (آماج) در برابر بزه‌کاران است (همان) و در مورد «مسکن»، می‌کوشد تا از طریق «طراحی محیطی»، محیط خانه‌ها را طوری طراحی کند که امکان تبدیل آن‌ها به «آماج» جرم را کاهش دهد (مثل نصب نرده بر دیوارهای کوتاه، نصب پنجره شیشه‌ای روی درب آسانسورها) (کین هون، ۱۳۸۵: ۱۳۲ و ...).

۲- از جهت دیگر می‌توان رابطه «مسکن بزه‌کار» را با ارتکاب جرم یا انحراف از سوی او در آینده، در نظر گرفت، بررسی این امر در پیشگیری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد که «هدف آن عوامل اجتماعی جرم است» (ام سی لالین و مونسی، ص ۲۷۲) و در آن «پیشگیری از جرم مبتنی بر ضرورت ایجاد تغییر و تعدیل شخصیت بزه‌کار و شرایط اجتماعی است» (موسوی مجاب، ۹۰- ۱۳۸۹: ص ۴) و سعی در بهبود وضعیت بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و فعالیت‌های محلی مجرمان بالقوه دارد (فضلی، ۱۳۸۹: ص ۸۴).

بررسی‌هایی که اخیراً در مورد رابطه مسکن و جرم صورت گرفته‌اند، بیشتر به جنبه اول این رابطه (پیشگیری وضعی از جرم از طریق مجهز کردن مسکن‌ها در مقابل بزه‌کاران) پرداخته‌اند و جنبه دوم (پیشگیری اجتماعی از طریق ارتقای سطح کیفیت مسکن بزه‌کار) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. گاه به اشاره‌های کوتاه به این امر بسنده شده و گاه پرداختن به موضوع «مسکن بزه‌کار» بحث را به مطالعه در مورد «همسایگان بزه‌کار» و موارد دیگر برده است، در حقیقت «تأثیر مسکن در بزه‌کاری» براساس بیانات استاد بزرگوار «دکتر کی‌نیا» به عنوان یک فرضیه مورد پذیرش است اما نحوه این تأثیر، مغفول مانده و جز در کتاب ارزنده مبانی جرم‌شناسی دکتر کی‌نیا و مقالاتی از ایشان، منابعی که به طور جدی به این امر پرداخته باشند، کمتر یافت می‌شود.

این امر نویسنده را بر آن داشت تا با این سؤال که «وضعیت مسکن» در ارتکاب انحراف یا جرم او در آینده چگونه و تا چه حد مؤثر است؟ به بررسی «تأثیر مسکن در ارتکاب جرم» پرداخته و در این بررسی فقط «نقش مسکن» را از نظر شرایط فیزیکی و امکانات آن در نظر گرفته، تا حد امکان وارد مباحث مرتبط با موضوع نشود.

روش تحقیق

این مقاله به بررسی تأثیر شرایط مسکن در ارتکاب جرم از طریق یک مطالعه موردی در شهرستان اراک می‌پردازد و در واقع برگرفته از یک کار پژوهشی در زندان مرکزی شهرستان اراک در سال ۱۳۸۹، از طریق توزیع پرسشنامه است. جامعه آماری این پژوهش را ۵۰ نفر زندانی با جرایم متفاوت تشکیل می‌دهند.

نویسنده بر آن است تا با روشی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و نتایج پژوهش مزبور، در مقام پاسخگویی به سؤالات تحقیق برآید.

۱- تأثیر نوع مسکن در ارتکاب جرم

خانه‌های افراد در یک اجتماع، انواع گوناگونی دارد که می‌توان از جهات مختلف آن‌ها را طبقه‌بندی کرد:

- از دیدگاه ساختمان‌سازی، خانه‌ها به آپارتمانی و ویلایی تقسیم می‌شوند.
- از دیدگاه مصالح ساختمانی خانه‌ها به آجری، چوبی، فلزی و سایر موارد تقسیم می‌شوند.

اما آیا نوع مسکن (از لحاظ آپارتمانی یا ویلایی بودن از یک سو و از لحاظ آجری و چوبی بودن از سوی دیگر) در ارتکاب جرم موثر است یا خیر؟

۱-۱- «خانه‌های آپارتمانی جرم‌زا ترند یا خانه‌های ویلایی»؟

پروفسور گسن در کتاب «جرم‌شناسی نظری» بیان کرد، که طبق بررسی‌های گوناگون افراد ساکن در مجتمع‌های مسکونی بیشتر از افرادی که در خانه‌های فردی زندگی می‌کنند مرتکب جرم می‌شوند (گسن، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

شومبار دولاو نوشت : « بنا هایی که سر به آسمان کشیده و انبوهی از جمعیت را در ارتفاعات خود جا داده برای جوانان یک عامل مولد « حالت خطرناک » شده است » و همین نویسنده افزود :

« بعضی از معماران بدون توجه به شرایط زندگی خانوادگی یا اخلاقی اجتماعی و طبقاتی کسانی که باید در این گونه ساختمان ها زندگی کنند منازلی برای کارگران ساخته اند که متأسفانه محیط بسیار مناسب رشد رفتار های زشت و نابهنجار شده است . (کی نیا ، ج ۱ ، ۱۳۷۶ : ۲۳۰) روابط تنگاتنگی که افراد ساکن در مجتمع های مسکونی با یکدیگر دارند موجب خواهد شد که رفتار های نابهنجار بر اساس « نظریه های یادگیری » یاد گرفته شوند و از یکی به دیگری سرایت پیدا کند .

علاوه بر این مشکل دیگری که در اکثر خانه های آپارتمانی وجود دارد نداشتن فضای کافی برای تفریح و ورزش است . امروزه اکثر کودکان در فضای تنگ آپارتمان ها اسیر شده و جای ورزش و تفریح آن ها در محوطه اتاق ها ، کوچه ها و خیابان ها است . بیکاری ، تنهایی ، نداشتن سرگرمی هایی که توجه و علاقه طفل و نوجوان را به خود جلب کند از عوامل ایجاد انحراف و بزه کاری است . « در این سنین اطفال و بالاحص نوجوانان از انرژی فراوانی برخوردارند که باید به گونه ای سالم مصرف شود و در وجود آن ها انباشته نشود » (شامبیاتی ، ۱۳۸۴ : ۲۷۵)

بنابراین بهتر است که « ... در کنار هر کوی و برزن مسکونی ، فضای سبز ، باغ مخصوص کودکان ، تفرجگاه نوجوانان و زمین های ورزشی تأسیس کنیم تا فرزندان خود را از تک روی و انزوا گرایی و خمودگی و بی حالی نجات بخشیم و زندگی آنان را توأم با تحرک و نشاط سازیم و راه و رسم مشارکت را از همان دوران کودکی به آنها بیاموزیم ، شوق هم دلی و شور هم نوائی و عشق به سازندگی و خلاقیت و تعاون ، مهرورزی ، انضباط ، احترام به آزادی و روح عدالت خواهی را در تمام وجود آن ها شکوفا سازیم ... » (کی نیا ، ۱۳۵۶ ، ص ۶) .

بنابراین به جز نقش عامل « یادگیری جرم » در خانه های آپارتمانی ، امکان تخلیه انرژی های درونی اطفال و نوجوانان به طور نادرست به دلیل کمبود یا فقدان فضای کافی برای تفریح ، علتی است که می تواند این خانه ها را جزء « عوامل به وجود آورنده تضاد ها و تعارض ها » در درون انسان که زمینه بزه کاری را ایجاد می کنند قرار دهد . بررسی وضعیت مسکن ۵۰ نفر از زندانیان زندان مرکزی شهرستان اراک ، تا حدودی جرم زایی بیشتر مساکن آپارتمانی را تأیید می کند، به طوری که ۵۴/۶۶ درصد این زندانیان ، خانه هایی آپارتمانی و ۴۲/۷۴ درصد آن ها خانه های ویلایی داشته اند ؛ بنابراین درصد خانه های آپارتمانی بیشتر است اما نکته قابل توجه این است که این تفاوت می تواند به دلیل افزایش شمار خانه های آپارتمانی در شهرستان اراک ، به دلیل « رشد صنعت » در این شهرستان و افزایش جمعیت و کمبود زمین در آن باشد ؛ اما اگر این گونه احتمالات را در نظر نگیریم ؛ می توانیم بگوییم که احتمالا خانه های آپارتمانی به دلیل شرایط خاص خود جرم خیز تر از خانه های ویلایی و فردی هستند .

۱ - ۲ - آیا جنس مسکن (چوبی ، آجری و ...) در ارتکاب جرم مؤثر است ؟

با توجه به اینکه امروزه در علم زمین شناسی قانونی ، به تأثیر جنس خاک در ارتکاب جرم پرداخته می شود (آسیابان ها ، پیشین) امکان تأثیر جنس مسکن در جرم نیز دور از ذهن به نظر نمی رسد .

بررسی ۵۰ نفر زندانی در زندان مرکزی شهرستان اراک ، نشان داد که ۷۵ درصد آن ها دارای خانه های آجری ، ۱۰/۴۱ درصد دارای خانه های چوبی و ۸/۳۳ درصد آن ها دارای خانه های فلزی بوده اند ؛ اما نتیجه به دست آمده لزوما نمی تواند بیانگر این امر باشد که ارتکاب جرم در خانه های آجری بیشتر است ؛ چرا که امروزه بیشتر خانه ها « آجری » هستند ، و به دلیل فراوانی این نوع مسکن و تعلق آن به بیشتر اقشار جامعه ، نمی توان آن را قطعا مؤثر در جرم دانست ، اما

مشاهده می شود که ۱۰ درصد مجرمان دارای خانه های چوبی و ۸ درصد دارای خانه های فلزی هستند ، در اینجا برعکس مورد فوق باید گفت ، با توجه به اینکه امروزه تعداد خانه های چوبی و فلزی رو به کاهش است و این نوع خانه ها در مقابل خانه های آجری رقم کمی را به خود اختصاص می دهند و صاحبان چنین خانه هایی کم ترند ، از میان همین صاحبان کم خانه های چوبی ۱۰ درصد مجرمین و از میان صاحبان خانه های فلزی ۸ درصد مجرمین برخاسته اند که این می تواند مسأله ای قابل توجه باشد .

۲ - تأثیر اندازه مسکن و جمعیت ساکنان آن در ارتکاب جرم :

به نظر می رسد یک مسکن کوچک که جمعیت زیادی در آن ساکنند نسبت به مسکنی که مساحت آن به نسبت ساکنین آن مناسب است می تواند به مراتب تأثیر بیشتری در ارتکاب جرم داشته باشد. عدم کفایت مسکن ممکن است آثار نامطلوبی در بر داشته باشد بویژه امکان دارد آثار شومی در حیات جنسی کودکان باقی گذارد . در قانونی که بزرگسالان با کودکان خود ، ناگزیرند شب را در یک اتاق به سر برند . چه بسا اتفاق می افتد که این کودکان به آسانی ، شاهد اعمال جنسی گردند ، حتی گاهی در برخی از خانواده های بی بند و بار ، مخصوصاً اگر پدر الکلیک باشد والدین کوششی در اخفای فعالیت جنسی خود به کار نمی برند و ابایی ندارند که کودکان آشکارا تماشاگر این قسمت از زندگی آنها باشند . (کی نیا ، ج ۱ ، ۱۳۷۶ : ۲۳۷) . یک کاشانه محقر ، یعنی جایی که اغلب برادران و خواهران یا والدین و فرزندان در یک بستر به سر می برند ، حتی اگر هیچ یک از این نگون بختان مبتلا به هیچ یک از عوامل پسیکو پاتولوژیک هم نباشد ، گاهی اوقات این هم خوابگی ها ، متأسفانه زنای با محارم را در پی دارد (همان) . احتمال وقوع چنین نتایج شومی ، بویژه در دوره ی بلوغ فرزندان بیشتر است چرا که « به طور کلی تجلی غریزه جنسی در سنین بلوغ ، موجب پیدایش علاقه و میل شدید به کسب لذت جسمانی می گردد . از طرف دیگر در

دوران بلوغ، حساسیت و تأثیر پذیری انسان در مقابل ارضای غریزه جنسی بیشتر می شود. بدین لحاظ در دوران بلوغ که دوره ی پر تلاطم و آشفتگی فکر و اندیشه جوان است، جوان علاقه وافر به طرف جنس مخالف پیدا می کند» (ولیدی، ۱۳۸۶: ۸۲) در چنین شرایطی، هم خوابی او با محارم در یک محیط محقر می تواند خود کنترلی فرد را به شدت کاهش داده و احتمال وقوع زنا با محارم را افزایش دهد، همین طور این هم خوابگی ها گذشته از جرم زنا با محارم، جرایم دیگری مثل هم جنس بازی و گونه های دیگر جرایم منافی عفت را نیز بدنبال خواهد داشت.

علاوه بر اینها، محیط کوچک خانه، به همراه عامل "تقلید پذیری" و «یادگیری» رفتار مجرمانه، که همیشه نقش فعالی در مجرم شدن اطفال و نوجوانان دارد احتمال درگیری آن ها را در هر جرم یا اقدامی که یکی از اعضای خانواده در آن درگیر است افزایش می دهد؛ مثلاً در این محیط ها کافی است یکی از والدین انحرافی داشته باشد. روابط تنگاتنگ اعضای خانواده با هم سبب می شود که فرزندان، بیشتر شاهد رفتار های منحرفانه والدین بوده و از آن تأثیر بگیرند، این رفتار منحرفانه می تواند اعتیاد به مواد مخدر، سرقت، کلاه برداری، و هر چیز دیگری باشد.

علاوه بر این ها «کوچک و محقر بودن خانه» ارتباط زیادی با ایجاد احساس فقر در ساکنین آن دارد که این احساس معمولاً «تمایل به بهبود اوضاع» را به دنبال دارد که گاه نتیجه چنین تمایلی «ارتکاب انحراف یا جرم» خواهد بود، به طور کلی نتایجی که از بررسی های «فقر از منظر جرم شناسی» به دست آمده و تأثیر فقر در ارتکاب جرم را اثبات نموده اند تا حد زیادی می تواند شامل صاحبان خانه های بسیار کوچک و محقر باشد.

بررسی وضع مسکن ۵۰ نفر زندانی در زندان مرکزی شهرستان اراک، نتایج زیر را در بر داشت:

(۱۲/۵ درصد) دارای خانه های بزرگ، (۵۶/۲۵ درصد) دارای خانه های متوسط، (۲۹/۱۶

درصد) دارای خانه های کوچک و (۲/۰۸ درصد) دارای خانه ی خیلی کوچک بوده اند.

اگر چه نتایج بدست آمده ، ظاهراً گفته های بالا را تایید نمی کند اما اگر خانه های متوسط را در نظر بگیریم و تعداد صاحبان خانه های کوچک و خیلی کوچک را با درصد خانه های بزرگ مقایسه کنیم ، تایید می شود که جرم در خانه های کوچک بیشتر از خانه های بزرگ اتفاق می افتد ، در ضمن خانه های متوسط هم رقم قابل توجهی را در این پژوهش به خود اختصاص داده اند . این نشان می دهد که ۵۶/۲۵ درصد مجرمان ، خانه های بزرگ نداشته اند و چه بسا خانه های کوچک داشته اند و انتخاب گزینه " متوسط " توسط آنها می تواند ، به دلایل مختلفی اشتباهاً صورت گرفته باشد . (دلایلی مثل تفاسیر متفاوت افراد از وصف « متوسط » و یا علاقه برخی از افراد به خوب جلوه دادن داشته هایشان)

پس می توان نتایج بدست آمده از این پژوهش را در تایید نقش جرم زا بودن مسکن کوچک تفسیر کرد . اما در مورد جمعیت ساکنان منازل و نقش آن در ارتکاب جرم باید گفت اگرچه گفته شده : « تحقیقات نشان می دهد که وجود فرزند در خانواده از موجبات ثبات و دوام سعادت خانواده و در نتیجه احتراز از بروز جرم است (کی نیا ، ۱۳۵۴ : ۵) .

اما نکته اینجاست که کثرت جمعیت خانواده در کنار کوچک و محقر بودن « مسکن » قضای خاصی را ایجاد خواهد کرد ، « هر فضایی قواعد رفتاری خاص خودش را دارد که این قواعد گاه ممکن است به استعداد و آمادگی برای انحراف بیانجامد » ۰ کاربین ککس ، لی ، ۲۰۰۹ : ۱۳۷ (فضای خاص حاصل از یک مسکن کوچک با جمعیت زیاد نیز قواعد رفتاری خاص خود را خواهد داشت ، چرا که افراد در چنین فضاهایی برخوردهای بیشتری با یکدیگر خواهند داشت و به خصوص در برآوردن خواسته های خود در مقابل یکدیگر ، ناچار از پیروز جلوه های خاصی از رفتار خواهند بود ، مثلاً در چنین فضایی ، افراد از کودکی می آموزند که برای به دست آوردن امکانات مورد نیاز خود ، باید با جمعیت خواهر و برادر خود رقابت نموده بر آنها غلبه کنند ،)

مثل نوجوانی که می‌خواهد موسیقی گوش کند اما بردار او می‌خواهد درس بخواند (شیوه رسیدن به این نتیجه گاه می‌تواند استعداد ارتکاب جرم در آینده را در فرد بوجود آورد ، نتایجی که در بررسی ۵۰ نفر از زندانیان زندان مرکزی شهرستان اراک در سال ۱۳۸۹ به دست آمد بدین شرح است که : ۲۵ درصد از مجرمان جامعه آماری ما ، خانواده های پر جمعیت نسبت به فضای خانه خود، ۳۹/۵۸ درصد آن ها ، خانواده های کم جمعیت به نسبت فضای خانه محل سکونت خود و ۳۵/۴۱ درصد آن ها خانواده هایی با جمعیت متوسط داشته اند ؛ البته نکته مهم در این خصوص این است که این نتایج ناظر به خانه های مرتکبین در زمان وقوع جرم می باشد ، بنابر این ممکن است تأثیرات مذکور در فوق در مراحل قبل تری ، در محل سکونت دیگری بر فرد مؤثر افتاده باشد.

تحقیقات مرکز ووکربون فرانسه ۲۲/۴ در صد موارد بزه کاری را ناشی از اکثریت جمعیت داخلی منزل اعلام کرده اند (کی نیا ، ج ۱ ، ۱۳۷۶ : ۲۳۸) .

۳ - تأثیر امکانات و کیفیت مسکن در وقوع جرم

یک مسکن مناسب با امکانات مساعد و کیفیت مطلوب ، می تواند حدی از رفاه را برای ساکنین خود فراهم کند . در این شرایط ، ساکنین چنین خانه ای می توانند حداقلی از احساس رضایت و خوشبختی را داشته باشند ، این قبیل احساسات به آن ها کمک می کند که به میزانی از " قناعت " برسند و به حق خود قانع باشند و با همین داشته هایشان ، خود را خوشبخت حس کنند ، افراد در چنین وضعیتی ، برای ارتقای سطح رفاه خود به سمت ارتکاب جرم نخواهند رفت چون طبق نظر بکاریا ، فرد قبل از ارتکاب جرم ، به محاسبه سود و زیان آن می پردازد به محض اینکه پی ببرد که سنگینی مجازات ، بیشتر از فایده ای است که از جرم نصیبش خواهد شد وارد عمل نمی شود (

پرادل ، ۱۳۸۷ : ۵۱) این افراد که حدی از رفاه را دارند حاضر به ارتکاب جرم و پذیرش ریسک از دست دادن همان حد از رفاه خود و جایگزینی آن با مجازات نمی شوند، اما برعکس یک مسکن نا مناسب با امکانات و کیفیت نا مساعد ، فرد را در شرایط بدی از زندگی قرار می دهد ، شرایطی که او هر روز مجبور به تحمل آن است ، این تحمل کردن های مکرر ، روح او را خسته و بیمار می سازد و علاوه بر ایجاد انواع بیماری های عصبی که خود می توانند مقدمه ارتکاب جرم باشند ، در فرد احساس فقر ، نارضایتی از زندگی و بدبختی فراوان را ایجاد می کند ، چنین فردی برای غلبه بر احساس آزار دهنده فقر و بدبختی که وجودش را تحت فشار قرار داده است ، متمایل به پیمودن راه های مختلفی می شود که بعید نیست یکی از این راه ها ، روی آوردن به راههای میان بر برای رسیدن سریع تر به خوشبختی و رفاه یعنی همان " ارتکاب جرم " باشد .

چنین فردی اگر قبل از ارتکاب جرم ، سود و زیان خویش را بسنجد ، چیزی برای از دست دادن نمی یابد ، بارها حکایت مجرمانی را شنیده ایم که از دست گیری و مجازات " حبس " نمی هراسند و زندان را مکان بهتر و راحت تری نسبت به محل زندگی خود می دانند ، در واقع " کنترل های اجتماعی " برای این افراد ، ضعیف می شود « هیرسچی از متفکران نظریه کنترل ، دریافت تنها وقتی که کنترل های اجتماعی ضعیف شده باشند حشر و نشر با یاران بزه کار می تواند بزه کاری را افزایش دهد » (ولد و دیگران ، ۱۳۸۸ : ۲۸۶) . علاوه بر آن ها کیفیت بد خانه مثل بوی نامطبوع فاضلاب ها و وجود حشرات موذی فراوان و ... باعث می شود که افراد نتوانند آرامش مورد نیاز خود را در مسکن خود بیابند و ناچارا هر محیطی را بر محیط خانه ترجیح داده و اوقات زیادی را در خارج از خانه خواهند گذراند ، این امر علاوه بر افزایش خطر، ایجاد « هم نشینی های بد »

و عواقب احتمالی آن ، باعث دوری اعضای خانواده از یکدیگر شده ، کانون خانواده را با سردی روبه‌رو می‌کند و نقش مهم «خانواده» در پیشگیری از تمایل افراد به جرم و انحراف را با چالش روبه‌رو خواهد کرد .

بررسی وضعیت مسکن ۵۰ نفر از زندانیان مرکزی شهرستان اراک نشان می دهد که امکانات خانه های ۲۰ درصد از مجرمان ، " بد " و امکانات خانه های ۴/۱۶ درصد آن ها " خیلی بد " بوده است . در ضمن ۴۵/۸۳ درصد مجرمان امکانات منازل خود را در حد " متوسط " توصیف کرده اند و ۲۹/۱۶ درصد آن ها نیز امکانات منازل خود را "خوب" دانسته اند و پس باید در نظر داشته باشیم که بیش از نیمی از مجرمان ، امکانات منازلشان خوب و مناسب نبوده است (در حد متوسط ، بد ، خیلی بد بوده است) و ۱۶/۶۶ درصد از مجرمان دارای خانه هایی فاقد حمام و سایر امکانات بهداشتی مورد نیاز بوده اند.

با توجه به اینکه « در مطالعه ای در آمریکا در اواخر قرن ۱۸ نشان داده شد که دمای هوا ، بر حالات عاطفی و احساسی تأثیر می گذارد » (ابراهیمی ، ۱۳۸۷ : ۵۱) و تاثیراتی بر ارتکاب جرم دارد ، اگر مسکن فرد که پناه او در مقابل تغییرات دما می باشد دارای امکانات گرمایشی و خنک کننده در زمستان و تابستان نباشد ، می تواند بر حالات عاطفی و احساسی او و احتمال ارتکاب جرم توسط او تأثیر بگذارد. در پژوهش انجام شده در زندان مرکزی (روی ۵۰ نفر زندانی) شهرستان اراک خانه های ۱۸/۷۵ درصد از مجرمان ، فاقد سیستم گرمایشی در فصل زمستان و خانه های ۱۶/۶۶ درصد آن ها نیز فاقد سیستم خنک کننده در فصل تابستان می باشد هم چنین در مورد کیفیت مسکن آن ها ، ۲۷/۰۸ درصد آن ها در خانه های نمودر زندگی می کرده اند و خانه های ۵۰ درصد آن ها تهویه خوبی نداشته است که این رقم ، رقم قابل توجهی است ، بویژه با توجه به آلودگی رو به گسترش شهرستان اراک بدلیل تجمع کارخانه جات در آن ساکنین شهر با

مسائل جسمی و روحی زیادی که ناشی از آلودگی است دست و پنجه نرم می کنند ، حال اگر این افراد حتی در مساکن خود تهویه مناسبی نداشته باشند این امر تأثیر عامل آلودگی را افزایش خواهد داد .

نتیجه گیری

مسکن نامناسب نه تنها در ارتکاب جرم مؤثر است بلکه حتی عوامل مؤثر دیگر در ارتکاب جرم را فعال می کند. نتایج حاصل از پژوهش صورت گرفته در زندان مرکزی شهرستان اراک در سال ۱۳۸۹ بدین شرح است: ۵۴/۶۶ درصد زندانیان جامعه آماری (۵۰ نفر) خانه ای آپارتمانی داشته اند، محصور و محدود بودن محیط خانه های آپارتمانی و عدم امکان تخلیه انرژی به ویژه در دوره کودکی، نوجوانی و جوانی و نیز مهیا بودن فضای این خانه ها برای یادگیری رفتار مجرمانه از عوامل زمینه ساز ایجاد استعداد ارتکاب جرم در ساکنین آنهاست.

۱۰/۴۱ درصد از زندانیان، خانه‌های چوبی و ۸/۳۳ درصد خانه‌ای فلزی داشته‌اند، با توجه به تعداد کم این خانه‌ها در شهرستان اراک، این رقم‌ها کوچک نیست و می‌تواند مورد توجه باشد. ۲۹/۶ درصد زندانیان خانه‌های کوچک و ۲/۰۸ درصد خانه‌های خیلی کوچک داشته‌اند که جمعاً ۳۲/۴ درصد آن‌ها را در برمی‌گیرد، هم‌چنین ۲۵ درصد خانواده‌های پرجمعیت داشته‌اند.

از آنجا که خانه‌های کوچک پرجمعیت، فضای خاصی را ایجاد می‌کنند و قواعد رفتاری خاص خود را می‌طلبند، گاه این قواعد رفتاری به ایجاد استعداد ارتکاب رفتار مجرمانه می‌انجامد، کیفیت و امکانات خانه‌های ۲۴/۱۶ درصد از مجرمان، پایین‌تر از حد متوسط بوده و خانه‌های ۳۵/۳۳ درصد فاقد سیستم گرمایشی در زمستان و سیستم خنک‌کننده در تابستان بوده، ۲۷/۰۸ درصد از آن‌ها در خانه‌های نامور زندگی می‌کرده و خانه‌های ۵۰ درصد آن‌ها تهویه مناسبی نداشته است، که این، رقم قابل توجهی است، ساکنین چنین خانه‌هایی هیچ پناهی در مقابل آلودگی شکنجه دهنده هوای شهرستان اراک نخواهند داشت، زندگی در چنین خانه‌های نامناسبی باعث ایجاد فقر در افراد و تمایل به ایجاد تغییر در وضع موجود شده و در بیراهه رفتن آن‌ها مؤثر است، هم‌چنین تحمل هرروزه فضای این خانه‌ها، زمینه‌ساز بروز انواع بیماری‌های عصبی که خود مقدمه ارتکاب رفتارهای مجرمانه هستند، خواهد بود، در ضمن فضای غیرقابل تحمل خانه باعث فراری شدن اعضای خانواده از آن و دوری آن‌ها از یکدیگر خواهد شد که نتیجه آن عدم کارایی مناسب نهاد خانواده در تربیت صحیح اعضاست علاوه بر این فراری شدن افراد از خانه و حضور طولانی مدت آن‌ها در فضای خارج از خانه، امکان ایجاد «هم‌نشینی‌های بد» و عواقب آن را افزایش خواهد داد.

پیشنهادهات

۱- سعی در جابجایی خانه‌های کهن و فرسوده با خانه‌های نوساز و جدید.

۲- توجه جدی به استانداردهای ساخت و ساز مسکن و ایجاد ضمانت اجراهای قوی برای بی‌توجهی به این امر.

۳- اختصاص فضاهای لازم برای بازی و تفریح‌های سالم به خصوص در آپارتمان‌ها.

۴- توجه به یافته‌های علم روانشناسی در تأثیر محیط فیزیکی بر فرد (مانند تأثیر انواع رنگ‌ها بر روان) در ساخت و سازهای مسکن.

منابع فارسی :

- آسیابان‌ها ، عباس ، (۱۳۸۶) ، « زمین‌شناسی قانونی ، کاربرد یافته‌های زمین‌شناسی در جرم‌شناسی » ، *ماهنامه رشد آموزش زمین‌شناسی* ، شماره ۴۹ .

- ابراهیمی ، شهرام ، ۱۳۸۷ ، *مباحثی در علوم جنایی* (تقریرات دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی) ویراست پنجم .

- الماسی ، مجید ؛ پیشگیری وضعی از سرقت اموال دولتی : مطالعه موردی سرقت کابل‌های برق شهرستان خرم‌آباد (۱۳۸۶ - ۱۳۸۵) ، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ، ش ۱۴ .

- پاک‌نهاد ، امیر ، (۱۳۸۸) ، « جرم‌شناسی و آزادی اراده » در نجفی ابرند آبادی ، علی حسین « ناظر » ، *تازه‌های علوم جنایی* ، تهران ، انتشارات میزان ، چاپ اول .

- پرادل ، ژان ، (۱۳۷۸) ، *تاریخ اندیشه‌های کیفری* ، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی ، تهران ، انتشارات سمت ، چاپ سوم .

- شامبیانی ، هوشنگ ، (۱۳۸۴) ، *بزه‌کاری اطفال و نوجوانان* ، ویرایش جدید ، تهران ، انتشارات مجد ، انتشارات ژوبین ، چاپ سیزدهم .

- عمید ، حسن ، (۱۳۶۰) ، *فرهنگ فارسی عمید* ، ج ۱ ، تهران انتشارات امیر کبیر ، چاپ سوم.

- عمید ، حسن ، (۱۳۶۰) ، *فرهنگ فارسی عمید* ، ج ۲ ، تهران انتشارات امیر کبیر ، چاپ سوم.

- فضلی ، وحید ؛ (۱۳۸۹) ؛ بررسی شیوه‌های تربیتی والدین و نگرش به رفتار های بزهکارانه در بین نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ سال شهرستان تهران ، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ، ش ۱۴ .

- کی نیا ، مهدی ، (۱۳۵۶) ، « تأثیر مسکن در بزه کاری نوجوانان » ، *ماهنامه مکتب مام* ، شماره ۹۳ .

- کی نیا ، مهدی ، (۱۳۵۴) ، « کودکان خانواده و بزه کاری : پاشیدگی کانون خانواده » ، *ماهنامه مکتب مام* ، شماره ۶۹ .

- کی نیا ، مهدی ، (۱۳۵۶) ، « کودکان رادر کاخ های رفیع محبوس نکنید » ، *ماهنامه مکتب مام* ، شماره ۹۹ .

- کی نیا ، مهدی ، (۱۳۷۶) ، *مبانی جرم شناسی* ، جلد اول ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ پنجم .

- کی نیا ، مهدی ، (۱۳۸۶) ، *مبانی جرم شناسی* ، جلد دوم - بخش اول ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، چاپ هشتم .

- گسن ، ریموند ، (۱۳۸۸) ، *جرم شناسی نظری* ، ترجمه دکتر مهدی کی نیا ، تهران ، انتشارات مجد ، چاپ سوم .

- موسوی مجاب ، سید درید ؛ (۱۳۸۹-۹۰) ؛ *پیش‌درآمدی بر مباحث حقوق کیفری اختصاصی* ، تقریرات درس حقوق کیفری اختصاصی ، دانشگاه تربیت مدرس .
- نیاز پور ، امیر حسین ، (۱۳۸۶) ، علوم جنایی ، مفهوم و گونه ها ، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ، شماره ۳ .
- هون ، تن کین ، (۱۳۸۵) ؛ پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی ، ترجمه علی سلطانی ، *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ، شماره ۱ .
- ولد ، جرج ، برنارد ، توماس ، اسنیپس ، جفری ، (۱۳۸۸) ، *جرم شناسی نظری* ، تهران ، انتشارات سمت ، چاپ سوم .
- ولیدی ، محمد صالح ، (۱۳۸۶) ، *حقوق جزای اختصاصی* ، جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی و حقوق و تکالیف خانوادگی ، تهران ، موسسه انتشارات امیرکبیر ،

منابع لاتین :

- Mcloughlin,Eugene and Muncie,John(Editors);(2001),*the sage Dictionary of Criminology*, London,Sage Publications,first Published
- Brien,Martin O.And Yar,Majid,(2008); *Criminology: The Key Concepts* ,London and New York,Routledge Publishing,First Published.
- Gilling,Daniel,(2005);*Crime Prevention*,London and New York,Routledge Publishing.
- Carrabine,Eamonn,Cox,Pam,Lee,Maggy Plummer,Ken and South,Nigel,(2009);*Criminology,a Sociological Introduction*,London and New York,Routledge Publishing,2nd,Edithon.
- Groff,Elizabeth,Weisburd,David and Morris,Nancy A.(2009);«Where the Action is at Places:Examining Spatio-Temporal Patterns of Juvenile Crime at Places Using Trajectory Analysis and GIS»in *Putting Crime in It's Place*,New York,Springer Science+Business Media,LLC.

